

گزارش فصلی تحولات اقتصاد ایران



شماره ۱۵ | ۱۳۹۸

تذکر

آمار و اطلاعات استفاده شده در این گزارش جدیدترین و به‌روزترین آمار و اطلاعاتی است که در زمان انتشار آن (۱۳ تیر ۱۳۹۸) از منابع معتبری که در متن یا زیرنویس‌ها ذکر شده‌اند قابل دسترسی بوده است. آمار، اطلاعات و تحلیل‌های ارائه شده در این گزارش صرفاً جنبه اطلاع رسانی داشته و هیچ مسئولیت یا تعهدی را از سوی بانک خاورمیانه و یا سازمان‌ها و افراد وابسته به آن ایجاد نمی‌نماید.

فهرست مطالب

۲	اقتصاد ایران در یک نگاه
۳	۱. بخش واقعی
۶	۲. قیمت‌ها و تورم
۷	۳. تراز پرداخت‌ها
۸	۴. بازار ارز
۸	۵. متغیرهای پولی و اعتباری
۱۰	۶. بودجه دولت
۱۱	۷. بازار سرمایه
۱۱	۸. سایر تحولات

یادداشت: در این گزارش هر جا نرخ رشد متغیری ارائه شده، منظور درصد تغییر آن متغیر در دوره یا مقطع مورد بحث نسبت به دوره یا مقطع مشابه در سال قبل از آن است، مگر این که خلاف آن ذکر شده باشد. برای مثال، منظور از «رشد درآمدهای نفتی در بهار ۱۳۹۸»، درصد تغییر این درآمدها در بهار ۱۳۹۸ نسبت به بهار ۱۳۹۷ است.

نسخه الکترونیکی این گزارش و شماره‌های قبل از آن در آدرس زیر قابل دسترسی است:

<http://middleeastbank.ir/page/EconomicReports>

اقتصاد ایران در یک نگاه

شاخص	سال ۱۳۹۶	بهار ۱۳۹۷	تابستان ۱۳۹۷	پاییز ۱۳۹۷	زمستان ۱۳۹۷	سال ۱۳۹۷	بهار ۱۳۹۸
مشارکت و بیکاری (درصد)							
نرخ مشارکت جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	۴۰/۳	۴۱/۱	۴۰/۹	۴۰/۵	۳۹/۵	۴۰/۵	-
نرخ بیکاری جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۲/۲	۱۱/۷	۱۲/۱	۱۲/۰	-
نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله	۲۸/۴	۲۸/۳	۲۷/۲	۲۷/۰	۲۸/۱	۲۷/۷	-
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و زیربخش‌های آن به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ (درصد)							
تولید ناخالص داخلی	۳/۹	۱/۶	-۱/۰	-۱۱/۴	-۸/۴	-۴/۹	-
صنایع و معادن	۲/۰	۰/۵	-۲/۷	-۲۱/۱	-۱۵/۰	-۹/۶	-
کشاورزی	۱/۰	-۰/۴	-۳/۴	-۱/۸	۱/۴	-۱/۵	-
خدمات	۶/۸	۲/۸	۱/۳	-۱/۸	-۲/۱	۰/۰	-
تولید ناخالص داخلی بدون نفت	۴/۶	۱/۸	-۱/۵	-۵/۴	-۴/۱	-۲/۴	-
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (به قیمت بازار)	۳/۴	۰/۳	-۵/۶	-۶/۳	-۱۰/۷	-۵/۶	-
نفت (هزار بشکه در روز)							
متوسط تولید*	۳,۸۱۵	۳,۸۱۳	۳,۶۰۳	۲,۹۹۳	۲,۷۲۵	۳,۲۸۳	-
متوسط صادرات	۲,۳۲۴	۲,۳۹۰	-	-	-	-	-
نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه (درصد)							
رشد شاخص بهای مصرف‌کننده (۱۳۹۵=۱۰۰)	۹/۶	۱۰/۵	۲۴/۵	۳۵/۰	۴۳/۱	۲۶/۸	۵۱/۱
رشد شاخص بهای تولیدکننده (۱۳۹۵=۱۰۰)	۱۰/۰	۱۴/۶	۳۵/۴	۵۸/۷	۶۶/۳	-	-
تراز پرداخت‌ها (میلیون دلار)							
صادرات نفتی	۶۵,۸۱۸	۲۰,۹۸۰	-	-	-	-	-
صادرات غیرنفتی	۳۲,۳۲۴	۸,۳۵۶	-	-	-	-	-
واردات کالا	۷۵,۵۴۶	۱۶,۳۵۳	-	-	-	-	-
تراز حساب کالا	۲۲,۵۹۶	۱۲,۹۸۳	-	-	-	-	-
تراز بازرگانی غیرنفتی	-۴۰,۴۵۸	-۷,۳۳۰	-	-	-	-	-
تراز حساب جاری	۱۵,۸۱۶	۱۱,۰۶۱	-	-	-	-	-
تراز حساب سرمایه	-۱۹,۳۲۱	-۵,۲۶۳	-	-	-	-	-
تغییر در ذخایر بین‌المللی	-۸,۱۴۰	۳,۹۳۳	-	-	-	-	-
نرخ برابری دلار آمریکا با ریال (متوسط طی دوره)							
در بازار آزاد***	۴۰,۵۵۲	۶۰,۳۶۵	۱۰۳,۴۳۴	۱۳۲,۷۴۸	۱۱۸,۷۸۶	۱۰۶,۲۲۹	۱۳۶,۷۶۲
در بازار بین بانکی (رسمی)	۳۴,۲۷۶	۴۱,۳۹۲	۴۲,۶۴۶	۴۲,۰۰۰	۴۲,۰۰۰	۴۲,۰۵۶	۴۲,۰۰۰
متغیرهای پولی و اعتباری (هزار میلیارد ریال - در انتهای دوره)							
پایه پولی	۲,۱۳۹/۸	۲,۱۸۶/۶	۲,۳۶۵/۵	۲,۴۳۶/۰	-	-	-
بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی	۱,۳۲۰/۳	۱,۳۹۷/۱	۱,۵۰۶/۵	۱,۴۹۷/۹	-	-	-
خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی	۵۵/۱	۸۲/۸	۸۲/۴	۱۳۲/۷	-	-	-
نقدینگی	۱۵,۲۹۹/۸	۱۵,۸۲۷/۵	۱۶,۷۲۳/۷	۱۷,۶۴۵/۸	-	-	-
حجم پول	۱,۹۴۶/۷	۲,۰۵۹/۵	۲,۴۳۶/۷	۲,۴۴۶/۲	-	-	-
سپرده‌های دیداری	۱,۵۰۴/۰	۱,۶۳۵/۵	۱,۹۹۱/۷	۱,۹۹۱/۲	-	-	-
سپرده‌های غیردیداری	۱۳,۳۵۳/۱	۱۳,۷۶۸/۰	۱۴,۲۸۷/۰	۱۵,۱۹۹/۶	-	-	-
وضعیت مالی دولت (هزار میلیارد ریال)							
درآمدها	۲,۵۹۸/۵	۵۹۰/۶	۶۷۶/۱	۶۳۹/۴	-	-	-
درآمدهای مالیاتی	۱,۱۵۸/۴	۲۲۵/۹	۲۷۷/۵	۲۶۷/۸	-	-	-
درآمدهای نفتی	۹۱۹/۲	۳۲۶/۰	۳۰۴/۶	۲۶۳/۶	-	-	-
سایر درآمدها	۵۲۰/۹	۳۸/۷	۹۴/۰	۱۰۸/۰	-	-	-
هزینه‌ها***	۲,۸۶۸/۶	۸۸۰/۷	۷۵۸/۳	۷۱۸/۲	-	-	-
پرداخت‌های جاری	۲,۴۲۹/۴	۵۸۸/۱	۷۲۱/۸	۶۲۹/۹	-	-	-
پرداخت‌های عمرانی	۴۳۹/۲	۲۲۶/۷	۳۹/۷	۵۴/۶	-	-	-
تراز بودجه	-۲۷۰/۱	-۲۹۰/۱	-۸۲/۲	-۷۸/۸	-	-	-
بورس اوراق بهادار تهران (در آخرین روز دوره)							
شاخص کل	۹۶,۲۹۰	۱۰۸,۸۷۳	۱۶۰,۵۳۸	۱۵۶,۰۸۳	۱۷۸,۶۵۹	۱۷۸,۶۵۹	۲۳۴,۸۷۹
شاخص مالی	۱۱۹,۱۷۶	۱۲۰,۸۳۷	۱۶۵,۳۵۹	۱۷۲,۷۱۸	۲۰۵,۲۶۶	۲۰۵,۲۶۶	۲۹۵,۱۷۹
شاخص صنعت	۸۶,۰۸۲	۹۸,۴۷۶	۱۴۶,۲۶۴	۱۴۱,۲۰۶	۱۶۱,۰۳۱	۱۶۱,۰۳۱	۲۰۹,۴۹۷
ارزش بازار (هزار میلیارد ریال)	۳,۸۴۷	۴,۲۱۳	۶,۱۲۴	۵,۹۲۴	۶,۸۳۰	۶,۸۳۰	۸,۹۳۳

مأخذ: گزارش‌های مختلف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار ایران

* بر اساس گزارش‌های اوپک (منابع ثانویه)

** این ارقام بر مبنای گزارش مرکز آمار بوده و با اعداد قبلی همین ستور که بر اساس گزارش بانک مرکزی درج شده، قابل مقایسه نیستند. در محاسبه شاخص بهای تولیدکننده از سوی مرکز آمار، سال پایه ۱۳۹۰ در نظر گرفته شده است.

*** قیمت دلار آمریکا در بازار آزاد پس از سیاست ارزی جدید دولت و از ۲۱ فروردین ۱۳۹۷ بر اساس نرخ بازار غیررسمی در نظر گرفته شده است.

**** اختلاف بین کل هزینه‌ها و حاصل جمع پرداخت‌های جاری و عمرانی به دلیل تنخواه‌گردان‌های پرداخت شده است.

۱. بخش واقعی

است که اتفاقاً اثر منفی بر بهره‌وری دارند و به طور مستقیم و غیرمستقیم تولید را تضعیف می‌کنند. لذا بهره‌وری به عنوان یکی از عوامل اصلی ایجاد رشد اقتصادی در بسیاری از کشورها، در ایران معمولاً مغفول مانده و کمک چندانی به رشد تولید نمی‌کند. علاوه بر این موارد که سال‌ها است اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند، در سال ۱۳۹۷ برخی سیاست‌ها و اقدامات دولت نظیر تخصیص دلار با قیمت پایین‌تر از قیمت بازار آزاد و ممنوعیت‌های صادراتی برای برخی کالاهای تولید داخل نیز نقش مهمی در افت تولید داشتند. تخصیص ارز دولتی برای واردات برخی اقلام موجب بصره شدن واردات این اقلام نسبت به تولید داخلی آنها شده و کاهش تولیدات داخلی آن‌ها را به همراه داشته است. همچنین، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های صادراتی با کاهش تقاضای صادراتی کالاهای مشمول و ایجاد فضای نااطمینانی برای کالاهای غیرمشمول، تولید داخلی را بیش از پیش تضعیف می‌کند.

برآوردهای مقدماتی مرکز آمار از رشد اقتصادی منفی ۴/۹ درصدی با نفت و منفی ۲/۴ درصدی بدون نفت در سال ۱۳۹۷ حکایت دارد. بر این اساس در طول این مدت در مجموع ۲۴،۲۹۴ هزار میلیارد ریال به قیمت‌های جاری ارزش افزوده در کشور ایجاد شده که ۱۷/۶ درصد از آن به استخراج نفت و گاز طبیعی اختصاص دارد. این بخش که در دسته‌بندی مرکز آمار زیرمجموعه گروه صنعت قرار می‌گیرد در این سال به قیمت‌های ثابت ۱۳/۱ درصد منقبض شده که این افت حاصل کاهش شدید تولید نفت در نیمه دوم سال بوده است. علاوه بر استخراج نفت و گاز، «سایر معادن» افت تقریباً مشابهی (۱۳/۹ درصد) را تجربه کرده و «ساختمان» نیز ۵/۶ درصد ارزش افزوده کمتری نسبت به سال قبل از آن ایجاد کرده است. رشد منفی ۴/۵ درصدی گروه کشاورزی در سال ۱۳۹۷ نیز از جمله اتفاقات کم‌سابقه اقتصاد کشور بوده است. تنها بخش اقتصاد کشور که طی این سال با افت ارزش افزوده همراه نبوده گروه خدمات است که به قیمت‌های ثابت به همان مقدار سال قبل تر ارزش افزوده ایجاد کرده و نرخ رشد صفر را به ثبت رسانده است. جدول ۱ جزئیات نرخ رشد اقتصادی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ را نشان می‌دهد.

اقتصاد ایران سال ۱۳۹۷ را با دشواری‌های زیادی پشت سر گذاشت که خلاصه آن تجربه مجدد وضعیت رکودتورمی بود. پس از آنکه اقتصاد کشور در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ با دو معضل رکود و تورم به طور همزمان مواجه و به سختی از آن خارج شده بود، در کمتر از پنج سال این پدیده دوباره تکرار شد، با این تفاوت که این بار ریشه مشکلات عمیق‌تر و تعدد چالش‌ها بیشتر بود. عمده چالش‌های داخلی و خارجی در این سال به سمت عرضه اقتصاد معطوف می‌شد. مهمترین شوک خارجی، خروج غیرمتعارف ایالات متحده از توافق هسته‌ای با ایران و تشدید محدودیت‌های نفتی بود که بخش بزرگی از اقتصاد کشور را تضعیف کرد. محدود شدن صادرات و در پی آن تولید نفت، نه تنها به طور مستقیم کشور را از درآمدها و ارزش افزوده آن محروم کرد، بلکه با کاهش منابع دولت، توانایی هزینه‌کرد بخش دولتی که خود می‌توانست عامل ایجاد رشد در بخش‌های دیگر باشد را تضعیف کرد. محدودیت‌های بین‌المللی البته منحصر به بخش نفت نبود و بسیاری از مبادلات اقتصادی در حوزه‌های غیرنفتی را نیز در بر می‌گرفت. بدین ترتیب تقویت همکاری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش عمده صنایع و معادن و انجام فعالیت‌های بانکی به شدت سخت شد و اقتصاد ایران را دچار چالش‌های بیشتری کرد. با این حال، تنها بخشی از معضلات اقتصاد کشور به خارج از مرزها و تحریم‌ها مربوط می‌شد و بخش مهمی نیز از ساختار داخلی اقتصاد و سیاست‌های غلط اتخاذ شده نشأت می‌گرفت.

یکی از مهمترین مشکلات داخلی اقتصاد کشور که حداقل در چند دهه گذشته همواره برای فعالیت‌های اقتصادی ایجاد مانع کرده است، به محیط کسب‌وکار نامطلوب کشور مربوط می‌شود. قوانین غیرشفاف و کم‌ثبات پیش‌روی فعالان اقتصادی، دخالت‌های بیش از حد دولت در امور مختلف بنگاه‌ها از جمله قیمت‌گذاری محصولات و تغییر مداوم مقررات تجاری و ارزی، فضای نااطمینانی را برای بنگاه‌های بخش خصوصی گسترش می‌دهد. نااطمینانی شدید حاصل از شوک‌های متعدد داخلی و خارجی انگیزه بخش خصوصی را برای سرمایه‌گذاری در کارهای تولیدی از بین می‌برد و صرفاً شرایط را برای سفته‌بازان جذاب‌تر می‌کند. از طرف دیگر، بخش دولتی منابعی که می‌تواند به سرمایه‌گذاری اختصاص دهد را صرف اعطای بارانه‌های پنهان ارز و سوخت و امثال آن کرده

جدول ۱- نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و زیرمجموعه‌های آن به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ (درصد)

۱۳۹۷		۱۳۹۶		سال		
سال	زمستان	پاییز	تابستان	بهار	سال	گروه صنایع و معادن
-۹/۶	-۱۵/۰	-۲۱/۱	-۲/۷	۰/۵	۲/۰	صنعت
-۶/۵	-۱۲/۲	-۸/۹	-۳/۰	-۱/۱	۳/۶	معادن
-۱۳/۱	-۲۳/۸	-۳۱/۷	۰/۸	۱/۰	۱/۶	استخراج نفت و گاز طبیعی
-۱۳/۹	-۲۵/۲	-۳۳/۵	۰/۶	۱/۰	۱/۵	سایر معادن
۰/۸	-۱/۳	-۱/۳	۳/۳	۲/۵	۲/۸	تأمین آب، برق و گاز طبیعی
-۵/۶	۰/۵	-۱۳/۵	-۱۱/۴	۱/۹	۰/۲	ساختمان
-۴/۵	-۴/۷	-۳/۴	-۸/۰	-۱/۰	۳/۲	گروه کشاورزی
-۱/۵	۱/۴	-۱/۸	-۳/۴	-۰/۴	۱/۰	گروه خدمات
۰/۰	-۲/۱	-۱/۸	۱/۳	۲/۸	۶/۸	تولید ناخالص داخلی بدون نفت
-۲/۴	-۴/۱	-۵/۴	-۱/۵	۱/۸	۴/۶	تولید ناخالص داخلی (به قیمت بازار)
-۴/۹	-۸/۴	-۱۱/۴	-۱/۰	۱/۶	۳/۹	

ماخذ: مرکز آمار ایران، گزارش حساب‌های ملی

در زمستان ۱۰/۷ درصد و در کل سال ۵/۶ درصد نسبت به زمان مشابه سال قبل از آن افت داشته است و در مقایسه با سال‌های قبل‌تر، حتی از ۷۰ درصد رقم سال ۱۳۹۰ هم کمتر است. این مساله در مورد افت تشکیل سرمایه در زمینه ماشین‌آلات و تجهیزات، جدی‌تر است. بررسی سری زمانی تشکیل سرمایه ثابت نشان می‌دهد که میزان سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۷ به قیمت‌های ثابت، تقریباً به سطح اوایل دهه ۱۳۸۰ بازگشته است. کاهش حدود ۱۶ درصدی صادرات و حدود ۳۸ درصدی واردات نیز به افت ۴/۱ درصدی خالص صادرات منجر شده است تا

در سمت تقاضای اقتصاد، مهمترین تحولات متغیرها به روند نزولی هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی و همچنین کاهش مجدد ارزش تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (به قیمت‌های ثابت) مربوط می‌شود که از تابستان شروع شده و به مرور شدت گرفته است. در طول سال ۱۳۹۷، هزینه‌های مصرف نهایی بخش خصوصی به حدود ۱۰،۱۵۶ هزار میلیارد ریال رسیده که سهمی ۴۱/۸ درصدی از کل هزینه‌های ناخالص داخلی داشته است. این هزینه‌ها به قیمت ثابت ۲/۲ درصد کمتر از مقدار مشابه سال قبل از آن بوده‌اند. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص نیز به قیمت‌های ثابت

شده توسط مرکز آمار جزئیات فصلی آن مشخص نمی‌شود و ارقام فصول مختلف یک سال دقیقاً یکسان اعلام می‌شود. جدول ۲ نرخ رشد هزینه ناخالص داخلی را به تفکیک اجزا برای سال ۱۳۹۶ و فصول سال ۱۳۹۷ نشان می‌دهد.

مصرف بخش دولتی تنها بخشی از سمت تقاضای اقتصاد باشد که در سال ۱۳۹۷ رشد مثبت را تجربه کرده است. برای هزینه مصرف نهایی دولت در این سال (به قیمت‌های ثابت) رشد مثبت و قابل توجه ۴/۹ درصدی ثبت شده که در آمار منتشر

جدول ۲- نرخ رشد هزینه ناخالص داخلی و اجزای آن به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ (درصد)

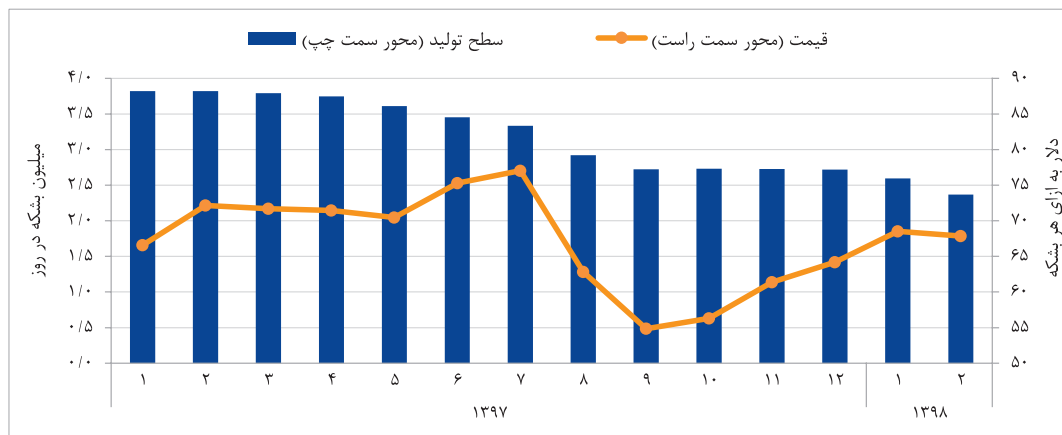
سال	۱۳۹۷			۱۳۹۶		سال	مصرف خصوصی
	زمستان	پاییز	تابستان	بهار	سال		
-۲/۲	-۵/۳	-۶/۵	-۰/۷	۴/۱	۷/۲	مصرف دولت	
۴/۶	۴/۶	۴/۶	۴/۶	۴/۶	۷/۵	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	
-۵/۶	-۱۰/۷	-۶/۳	-۵/۶	۰/۳	۳/۴	ماشین آلات	
-۶/۹	-۱۷/۳	-۸/۹	-۲/۷	۱/۶	۳/۶	ساختمان	
-۴/۵	-۴/۷	-۳/۳	-۸/۰	-۱/۱	۳/۲	خالص صادرات کالاها و خدمات	
-۴/۱	-۱۲/۸	-۲۳/۰	۷/۷	۸/۹	-۸/۰	صادرات	
-۱۳/۵	-۳۰/۴	-۳۰/۲	-۰/۷	۷/۹	-۳/۰	واردات	
-۳۸/۳	-۷۰/۴	-۴۶/۲	-۳۱/۷	۵/۲	۱۳/۴	محصول ناخالص داخلی به قیمت بازار	
-۴/۹	-۸/۴	-۱۱/۴	-۱/۰	۱/۶	۳/۹		

مأخذ: مرکز آمار ایران، گزارش حساب‌های ملی

خرید منع شدند. قیمت نفت خام سنگین ایران که بعد از یک افت شدید در نیمه سال ۱۳۹۷، از آذرماه این سال شروع به رشد کرده بود، در فرودین ۱۳۹۸ به ۶۸/۵ دلار به ازای هر بشکه رسید و در اردیبهشت با اندکی کاهش ۶۷/۹ دلار را به ثبت رسانید. با این حال در شرایط تحریمی احتمالاً فروش نفت ایران با تخفیف‌های قابل توجه و هزینه‌های مبادلاتی بیش از حالت مرسوم صورت گرفته است و در آینده نیز این موضوع شدت بیشتری خواهد گرفت. نمودار ۱ میزان تولید و قیمت نفت ایران را به صورت ماهانه نشان می‌دهد.

نفت: بر اساس آخرین گزارش ماهانه اوپک و بر مبنای منابع ثانویه، کل تولید نفت خام ایران در ماه مه ۲۰۱۹ (تقریباً مطابق با اردیبهشت ۱۳۹۸) به کمتر از ۲/۴ میلیون بشکه در روز رسیده است که تقریباً برابر صادرات نفت خام ایران در سال‌های گذشته است. کاهش تولید نفت ایران در سال ۱۳۹۷ در پی اجرایی شدن مرحله دوم تحریم‌های آمریکا و ایجاد مشکل در صادرات آن صورت گرفت. این تحریم‌ها موجب کاهش یا قطع خرید نفت ایران از سوی برخی کشورها شد و کشورهایی که به طور موقت از آن معاف شده بودند نیز عمدتاً از اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ به طور کلی از ادامه

نمودار ۱- متوسط تولید روزانه نفت خام و متوسط قیمت نفت سنگین ایران*

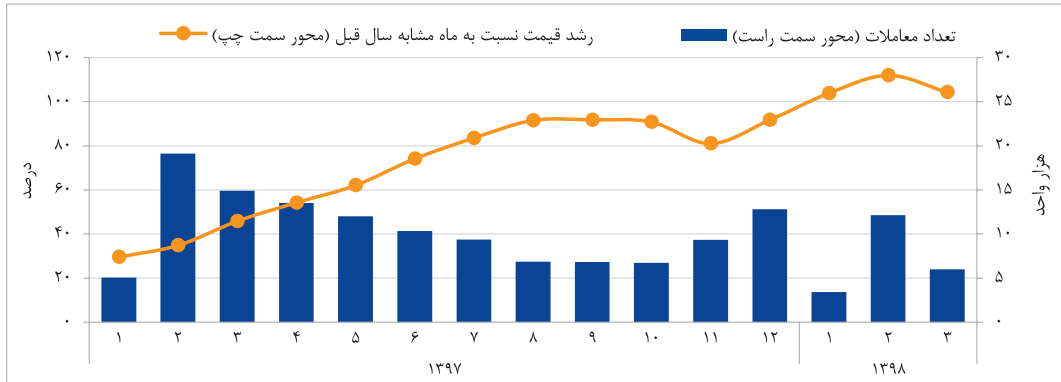


مأخذ: گزارش‌های ماهانه اوپک از بازار نفت، آمار تولید بر اساس منابع ثانویه
* داده‌های موجود در گزارش اوپک بر اساس ماه‌های میلادی بوده که در اینجا به طور تقریبی با ماه‌های شمسی جایگزین شده است.

بود. این جهش قیمتی در بازار مسکن در حالی رخ داد که متوسط درآمد خانوارها و تسهیلات بانکی اختصاص داده شده به آنها به طور واقعی حتی کاهش یافته بود و لذا قدرت خرید مردم در زمینه مسکن مصرفی به شدت سقوط کرد. به این ترتیب خرید و فروش مسکن کاهش قابل توجهی داشت و همراه با تورم قیمت‌ها، رکود معاملات شکل گرفت. نمودار ۲ رشد نقطه‌به‌نقطه متوسط قیمت واحدهای مسکونی را در کنار حجم معاملات به صورت ماهانه نمایش می‌دهد.

مسکن: بازار مسکن شهر تهران در بهار ۱۳۹۸ شاهد ثبت ۲۱/۵ هزار معامله واحد مسکونی با متوسط قیمت هر مترمربع ۱۲۴/۱ میلیون ریال بود که به ترتیب از کاهش ۴۴/۸ درصدی معاملات و افزایش ۱۰۶/۷ درصدی قیمت حکایت دارد. روند رشد قیمت واحدهای مسکونی معامله‌شده در شهر تهران که از اوایل سال ۱۳۹۷ شدت گرفته بود، در اواخر این سال تا حدودی ملایم شد اما مجدداً در بهار ۱۳۹۸ اوج گرفت و در اردیبهشت‌ماه نرخ رشد نقطه‌به‌نقطه ۱۱۲ درصد را تجربه کرد که رقمی کم‌سابقه

نمودار ۲- رشد متوسط قیمت یک مترمربع واحد مسکونی معامله شده و تعداد معاملات ثبت شده در شهر تهران



مآخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش بازار مسکن شهر تهران، شماره‌های مختلف

وارد بازار کار شده‌اند و قابلیت و تمایل انجام کار را داشته‌اند. این امر فراتر از زمینه‌های فرهنگی آن، مؤید آن است که از یک طرف مهارت‌پروری در سیستم آموزشی کشور به خوبی انجام نشده و از طرف دیگر فرهنگ، زیرساخت‌ها و موقعیت‌های موجود در بازار کار مناسب و پذیرای ورود زنان نبوده است. آمار بیکاری نیز در سال ۱۳۹۷ برای مردان و زنان به ترتیب ۱۰/۴ درصد و ۱۸/۹ درصد به ثبت رسیده است که تأییدکننده ادعای قبلی است. با وجود اینکه سهم خیلی کوچکی از زنان وارد بازار کار شده‌اند، همچنان در مقایسه با مردان نرخ بیکاری بالاتری را تجربه می‌کنند. این تفاوت در نرخ بیکاری تنها مختص به سال ۱۳۹۷ نبوده و تقریباً در همه سال‌های چهار دهه اخیر تکرار شده است.

گذشته از آمار کلی نرخ بیکاری، بیکاری جمعیت جوان و تحصیلکرده کشور نیز نگران‌کننده است. در سال ۱۳۹۷ حدود ۱/۷ میلیون نفر از جمعیت ۱۵ تا ۲۹ ساله کشور موفق به یافتن شغل مورد نظر خود نشدند که معادل ۲۵/۱ درصد از جمعیت فعال این گروه سنی است. این نسبت برای خانم‌ها به ۳۸/۶ درصد می‌رسد. از سوی دیگر، نرخ بیکاری در بین فارغ‌التحصیلان آموزش عالی نیز بالا است، به طوری که از بین افراد این گروه که در سال ۱۳۹۷ وارد بازار کار شده‌اند، ۱۸/۱ درصد در یافتن شغل ناموفق بوده‌اند. در این گروه نیز نرخ بیکاری برای زنان بیشتر و معادل ۲۸/۱ درصد بوده است. بالاتر بودن آمار بیکاری در بین جمعیت فارغ‌التحصیل در مقایسه با متوسط کل جمعیت نشان می‌دهد که ادامه تحصیل در مقاطع تکمیلی نه تنها ورود به بازار کار را تسهیل نکرده، بلکه چون متناسب و سازگار با ظرفیت بازار کار نبوده، حتی جذب فارغ‌التحصیلان را سخت‌تر کرده است. همچنین، در این سال حدود ۲/۶ میلیون نفر معادل ۱۰/۸ درصد از جمعیت شاغل، دارای اشتغال ناقص بوده‌اند، به این معنا که به دلایل اقتصادی نظیر افت تولید یا مانند آن، کمتر از ۴۴ ساعت در هفته کار کرده‌اند، در حالی که خواهان و آماده انجام کار بیشتر بوده‌اند. جدول ۳ شاخص‌های اصلی بازار کار ایران را در سال ۱۳۹۷ نشان می‌دهد.

یکی از نتایج اجتناب‌ناپذیر کاهش قدرت خرید متقاضیان مسکن، رضایت به خرید واحدهای کم‌کیفیت‌تر است که خودش را در افزایش سن بنا، کاهش مترژ و همچنین منتقل شدن آنها به مناطق پایین‌تر نشان می‌دهد. معادل ۳۹/۷ درصد از واحدهای مسکونی معامله شده در خردادماه با عمر کمتر از ۵ سال ساخت بوده‌اند. این سهم در خرداد سال ۱۳۹۷ معادل ۴۳/۷ درصد و در خرداد سال قبل از آن ۴۶/۸ درصد بوده است. کاهش ارزش واقعی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش مسکن و لذا کاهش تعداد واحدهای جدید ساخته شده نیز عامل دیگری است که از سمت عرضه معامله این واحدها را محدود کرده است. از لحاظ سطح زیربنا، ۵۱/۱ درصد از کل معاملات در این ماه به واحدهای ۴۰ تا ۸۰ متر مربعی اختصاص داشته و واحدهای با مترژ بزرگتر سهم به مراتب کمتری از معاملات داشته‌اند. علاوه بر این، بخشی از متقاضیان خرید مسکن نیز به ناچار وارد بازار اجاره می‌شوند و تقاضا برای اجاره‌نشینی را افزایش می‌دهند. بررسی شاخص کرایه مسکن اجاری در شهر تهران در خردادماه، رشد ۲۳/۰ درصدی آن را نسبت به ماه مشابه سال قبل نشان می‌دهد. شاخص اجاره‌بها همیشه نسبت به شاخص قیمت، کم‌نوسان‌تر بوده و با سرعت کمتری رشد می‌کند. با این حال اختلاف نرخ رشد این دو شاخص در ماه‌های اخیر بسیار زیاد شده و انتظار می‌رود با کاهش نرخ رشد قیمت و افزایش نرخ رشد اجاره، این اختلاف اندکی کاهش یابد.

نیروی کار: گزارش‌های مرکز آمار ایران برای سال ۱۳۹۷ از نرخ مشارکت اقتصادی ۶۴/۸ درصدی مردان و ۱۶/۱ درصدی زنان حکایت دارد که مشارکت کل ۴۰/۵ درصدی را رقم زده است. نرخ پایین مشارکت یکی از شاخصه‌های همیشگی اقتصاد ایران حداقل در چهار دهه اخیر بوده است. این نرخ پایین عمدتاً از جانب جمعیت بانوان کشور ایجاد می‌شود، به طوری که از جمعیت ۳۲/۳ میلیون نفری زنان ۱۰ ساله و بیشتر در ایران، تنها ۵/۴ میلیون نفر آنها

جدول ۳- شاخص‌های اصلی بازار کار ایران در سال ۱۳۹۷

سال	زمنستان		کل	کل	نرخ (درصد)	مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر
	مرد	زن				
۱۳۹۷	۶۴/۸	۱۶/۱	۴۰/۵	۳۹/۵	۶۴/۸	مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر
۱۳۹۷	۲۱/۷	۵/۴	۲۷/۱	۲۶/۵	۱۶/۱	نسبت اشتغال جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر
۱۳۹۷	۵۸/۱	۱۳/۰	۳۵/۶	۳۴/۷	۳۹/۷	بیکاری جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر
۱۳۹۷	۱۹/۵	۴/۳	۲۳/۸	۲۳/۳	۲۳/۰	بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله
۱۳۹۷	۱۰/۴	۱۸/۹	۱۲/۰	۱۲/۱	۱۰/۴	بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی
۱۳۹۷	۲/۳	۱/۰	۳/۳	۳/۲	۲/۳	سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص زمانی (درصد)
۱۳۹۷	۲۱/۲	۳۸/۶	۲۵/۱	۲۵/۵	۲۱/۲	
۱۳۹۷	۱/۱	۰/۱۶	۱/۷	۱/۷	۱/۱	
۱۳۹۷	۱۲/۹	۲۸/۱	۱۸/۱	۱۷/۴	۱۲/۹	
۱۳۹۷	۰/۱۶	۰/۱۷	۱/۳	۱/۲	۰/۱۶	
۱۳۹۷	۱۲/۰	۵/۸	۱۰/۸	۱۱/۵	۱۲/۰	

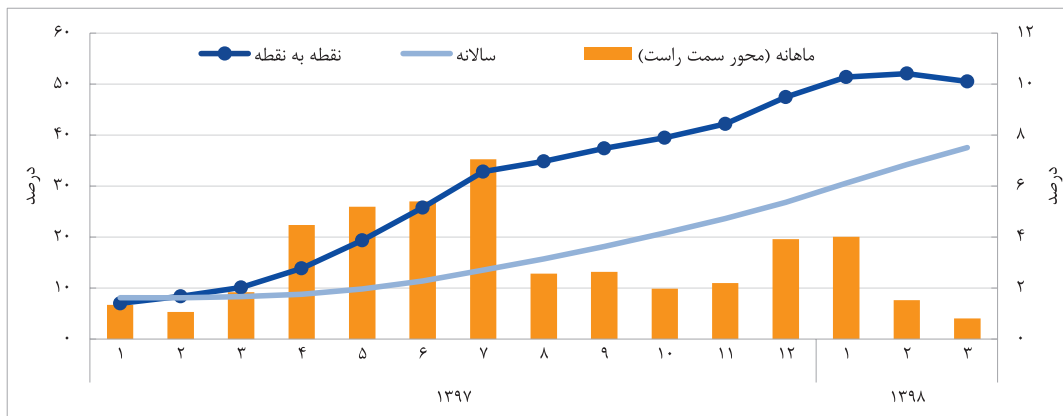
مآخذ: مرکز آمار ایران، چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در سال ۱۳۹۷

۲. قیمت‌ها و تورم

افزایش نسبت به اردیبهشت به ۳۷/۶ درصد رسیده است. بررسی شاخص کل قیمت مصرف کننده به تفکیک نقاط شهری و روستایی حاکی از آن است که در خردادماه نیز همانند چند ماه اخیر نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه برای خانوارهای روستایی (۵۶/۵ درصد) بیشتر از خانوارهای شهری (۴۹/۳ درصد) بوده است. نمودار ۳ انواع نرخ تورم شاخص قیمت مصرف کننده را برای خانوارهای کل کشور نشان می‌دهد.

بر اساس گزارش مرکز آمار، عدد شاخص کل قیمت مصرف کننده (۱۳۹۵=۱۰۰) برای خانوارهای کل کشور، در خردادماه ۱۳۹۸ به ۱۷۴/۹ رسید که نسبت به ماه قبل ۰/۸ درصد و نسبت به خرداد سال قبل ۵۰/۴ درصد افزایش نشان می‌دهد. به این ترتیب، در سومین ماه سال ۱۳۹۸ تورم ماهانه به کمترین مقدار خود از ابتدای سال ۱۳۹۷ رسیده و نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه نیز برای اولین بار در این مدت از ماه قبل کمتر بوده است. با این حال نرخ تورم دوازده ماهه (سالانه) منتهی به این ماه همچنان روند صعودی خود را حفظ کرده و با ۳/۴ واحد درصد

نمودار ۳- تورم شاخص قیمت مصرف کننده خانوارهای کشور



مأخذ: مرکز آمار ایران، گزارش شاخص قیمت مصرف کننده، شماره‌های مختلف

تخصیص ارز ارزان برای کاهش قیمت کالاهای مصرفی اساسی مردم است که همچنان از سوی دولت بر آن پافشاری شده و رانت عظیمی از این طریق توزیع می‌شود.

در یک تقسیم‌بندی دیگر، جدول ۴ آمار تورم را بر اساس نوع کالاها (به تفکیک بادوام و بی‌دوام و خدمات) نشان می‌دهد. چنانچه مشاهده می‌شود در دسته‌بندی مرکز آمار کالاها حدود ۵۱ درصد و خدمات حدود ۴۹ درصد از سبد مصرفی خانوار را تشکیل می‌دهند که به ترتیب نرخ تورم ماهانه ۰/۵ درصدی و ۱/۲ درصدی را در خرداد تجربه کرده‌اند. در بین کالاها، شاخص قیمت کالاهای بادوام (مثل خودرو) که سهم حدود ۱۱ درصدی از کل هزینه‌های مربوط به سبد مصرفی کالاهای خانوار را تشکیل می‌دهند، با افت ۰/۲ درصدی نسبت به اردیبهشت همراه بوده است. همچنین، تورم ماهانه کالاهای کم‌دوام معادل ۳/۰ درصد و کالاهای بی‌دوام معادل ۰/۳ درصد بوده است.

یکی از نکات قابل توجه در آمار تورم خرداد ۱۳۹۸، تورم منفی ماهانه برای گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها است. شاخص قیمت این گروه ۰/۲ درصد کمتر از اردیبهشت و البته ۷۴/۱ درصد بیشتر از خرداد سال قبل بوده است. در بین زیرمجموعه‌های این گروه بیشترین افت ماهانه با ۷/۱ درصد مربوط به سبزیجات و حبوبات است که رشد ۱۰۹/۳ درصدی آن نسبت به ماه مشابه سال قبل نشان می‌دهد قیمت این دسته از خوراکی‌ها در ماه‌های قبل تر افزایش قابل توجهی داشته و در خردادماه کمی تعدیل شده است. بیشترین نرخ رشد ماهانه در این گروه نیز متعلق به نان و غلات است که ۴/۵ درصد نسبت به ماه قبل افزایش قیمت داشته اما نسبت به خرداد سال قبل تنها ۴۱/۷ درصد رشد نشان می‌دهد که کمترین تورم نقطه‌به‌نقطه در بین زیرمجموعه‌های این گروه است. یکی دیگر از نکات قابل توجه این آمار، کاهش ۰/۶ درصدی شاخص قیمت گوشت فرم و گوشت ماکیان در این ماه است که علیرغم توقف اختصاص دلار ۴,۲۰۰ تومانی برای واردات آن رخ داده است. این موضوع مؤید ناکارایی و بی‌اثری سیاست

جدول ۴- شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای کشور و درصد تغییرات آن برای گروه‌های اختصاصی در خرداد ۱۳۹۸

شاخص کل	ضریب اهمیت	ماهانه	نقطه‌به‌نقطه	سالانه
شاخص کل	۱۰۰/۰	۰/۸	۵۰/۴	۳۷/۶
خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و دخانیات	۲۷/۲	-۰/۲	۷۵/۰	۵۶/۴
خدمات و سایر کالاها	۷۲/۸	۱/۳	۴۰/۴	۳۰/۱
خدمات	۴۹/۱	۱/۲	۲۷/۱	۲۲/۲
کالا	۵۰/۹	۰/۵	۷۲/۰	۵۲/۱
کالاهای بادوام	۵/۵	-۰/۲	۱/۲	۸۳/۸
کالاهای کم‌دوام	۵/۱	۳/۰	۷۳/۰	۵۱/۶
کالاهای بی‌دوام	۴۰/۳	۰/۳	۶۶/۵	۴۸/۰

مأخذ: مرکز آمار ایران، گزارش شاخص قیمت مصرف کننده، خرداد ۱۳۹۸

۳. تراز پرداختها

مربوط به کالاهای سرمایه‌ای و کالاهای مصرفی بوده است.

از سوی دیگر در دوره مذکور حدود ۴۴/۳ میلیارد دلار کالا از کشور صادر شده که نسبت به سال قبل از آن حاکی از کاهش ۵/۷ درصدی است. البته میزان صادرات از نظر وزنی با کاهش بیشتری (۱۱/۸ درصد) روبه‌رو شده است. سهم ارزشی کالاهای سرمایه‌ای، مصرفی و واسطه‌ای از کل صادرات کشور در این دوره به ترتیب ۲/۵، ۱۷/۹ و ۷۹/۵ درصد بوده که نشان‌دهنده افزایش سهم کالاهای سرمایه‌ای و کالاهای مصرفی و کاهش سهم کالاهای واسطه‌ای در مقایسه با سال قبل از آن است. در این سال صادرات کالاهای سرمایه‌ای هم از نظر وزنی و هم از نظر ارزشی با رشد چشمگیری همراه بوده و نسبت ارزش به وزن در مورد این کالاها نیز حدود ۵۸/۵ درصد رشد کرده است. آمار تجارت خارجی کشور بر حسب نوع کالا در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ در جدول ۵ آمده است.

آخرین آمار مربوط به موازنه پرداخت‌های خارجی کشور که در زمان تهیه این گزارش از سوی بانک مرکزی منتشر شده، به سه ماه نخست سال ۱۳۹۷ اختصاص دارد. با توجه به این که در گزارش فصلی شماره ۱۳ اجزاء گزارش مذکور مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است، در این شماره از تکرار آن پرهیز می‌شود.

براساس گزارش وزارت صنعت، معدن و تجارت در سال ۱۳۹۷ حدود ۴۲/۶ میلیارد دلار کالا به کشور وارد شده است که کاهشی ۲۱/۸ درصدی را نسبت به سال قبل از آن نشان می‌دهد. همچنین واردات کالا از نظر وزنی ۱۷/۵ درصد کاهش یافته است. سهم ارزشی کالاهای سرمایه‌ای، مصرفی و واسطه‌ای از کل واردات به ترتیب ۱۶/۹، ۱۶/۳ و ۶۶/۸ درصد بوده که از کاهش سهم کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای و افزایش سهم کالاهای واسطه‌ای نسبت به سال ۱۳۹۶ حکایت دارد. در این سال بیشترین افت واردات از نظر وزنی و ارزشی به ترتیب

جدول ۵- تجارت خارجی کشور بر حسب نوع کالا در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷

درصد تغییرات		۱۳۹۷			۱۳۹۶			
ارزش	وزن	سهم ارزشی (درصد)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	سهم ارزشی (درصد)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	
-۲۱/۸	-۴۰/۲	۱۶/۹	۶,۹۶۲/۴	۵۴۶/۴	۱۷/۲	۸,۹۰۰/۴	۹۱۴/۲	سرمایه‌ای
-۳۱/۲	-۱۶/۱	۱۶/۳	۶,۷۰۸/۶	۲,۸۳۱/۴	۱۸/۸	۹,۷۴۴/۰	۳,۳۷۴/۸	مصرفی
-۱۶/۸	-۱۱/۴	۶۶/۸	۲۷,۵۶۴/۱	۲۶,۸۰۲/۹	۶۴/۰	۳۳,۱۳۱/۲	۳۰,۲۴۱/۷	واسطه‌ای
-۲۰/۴	-۱۲/۶	۱۰۰/۰	۴۱,۲۳۶/۱	۳۰,۱۸۰/۷	۱۰۰/۰	۵۱,۷۷۵/۶	۲۴,۵۳۰/۷	مجموع
۱۴۸/۷	۵۶/۹	۲/۵	۱,۱۱۶/۷	۱۳۶/۸	۱/۰	۴۴۹/۱	۸۷/۲	سرمایه‌ای
-۱/۱	۱۱/۵	۱۷/۹	۷,۹۴۸/۰	۷,۰۳۴/۵	۱۷/۲	۸,۰۳۳/۱	۶,۳۰۷/۵	مصرفی
-۸/۱	-۱۳/۰	۷۹/۵	۳۵,۲۳۵/۹	۱۱۰,۰۵۴/۹	۸۱/۹	۳۸,۳۴۴/۴	۱۲۶,۴۸۵/۳	واسطه‌ای
-۵/۴	-۱۱/۸	۱۰۰/۰	۴۴,۳۰۰/۶	۱۱۷,۲۲۶/۲	۱۰۰/۰	۴۶,۸۲۶/۶	۱۳۲,۸۸۰/۰	مجموع

مأخذ: وزارت صنعت، معدن و تجارت، گزارش عملکرد سال ۱۳۹۷

* آمار کل واردات اعلام‌شده از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت بیشتر از مجموع واردات سه دسته کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای است و در گزارش این وزارتخانه توضیحی در مورد دلیل این اختلاف داده نشده است.

توجه صادرات ایران به امارات متحده عربی، عراق با ۲۸۹ میلیون دلار و کره جنوبی با ۲۵۰ میلیون دلار واردات از ایران، از امارات با واردات ۲۳۱ میلیون دلاری پیشی گرفته و در جایگاه دوم و سوم بزرگترین شرکای صادراتی ایران قرار گرفته‌اند.

اقلام عمده وارداتی در این دوره شامل برنج به ارزش ۱۹۶ میلیون دلار، ذرت دامی به ارزش ۱۲۳ میلیون دلار، کنجاله سویا به ارزش ۹۸ میلیون دلار، کره بسته‌بندی‌شده به ارزش ۹۱ میلیون دلار و لوبیای سویا به ارزش ۷۵ میلیون دلار بوده است. چین با صادرات ۴۳۴ میلیون دلار کالا به کشور در این مدت در رتبه نخست کشورهای صادرکننده به ایران قرار گرفته است، اگرچه سهم آن از واردات کل ایران به ۱۸/۶ درصد کاهش یافته، در حالی که در مدت مشابه سال ۱۳۹۷ معادل ۲۴/۷ درصد از واردات ایران را در اختیار داشت. ترکیه با ۳۴۶ میلیون دلار صادرات به ایران در این مدت، رشد صادرات ۱۵۹/۸ درصدی به ایران را تجربه کرده و جایگاه دوم را در این زمینه به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر، با وجود کاهش ارزش صادرات ایران به امارات متحده عربی، واردات از این کشور با رشد ۷/۴ درصدی همراه بوده و به این ترتیب سهم این کشور از کل واردات ایران از ۱۲/۴ درصد در فروردین ۱۳۹۷ به ۱۴/۵ درصد در فروردین ۱۳۹۸ افزایش یافته تا جایگاه سوم را در اختیار داشته باشد. هند و هلند به ترتیب با رشد ۲۱۲/۷ درصدی و ۲۱۷/۹ درصدی در ارزش صادرات به ایران، جایگاه‌های چهارم و پنجم شرکای وارداتی ایران را به خود اختصاص داده‌اند.

آخرین آمار تجارت خارجی منتشرشده از سوی گمرک در زمان تهیه این گزارش مربوط به ماه نخست سال ۱۳۹۸ است. بر اساس این گزارش در فروردین ماه این سال ۲/۱ میلیون تن کالا به ارزش ۲/۳ میلیارد دلار به کشور وارد و ۸/۵ میلیون تن کالا به ارزش ۲/۵ میلیارد دلار از کشور صادر شده است. بنابراین واردات نسبت به ماه مشابه سال قبل از نظر وزنی ۷/۸ درصد افزایش و از نظر ارزشی ۷/۷ درصد کاهش یافته است. صادرات نیز از نظر وزنی افزایش ۷/۷ درصدی و از نظر ارزشی کاهش ۱۸/۳ درصدی را تجربه کرده است. در نتیجه مازاد ۵۸۷ میلیون دلاری تراز بازرگانی غیرنفتی گمرکی در ماه نخست سال ۱۳۹۶ با کاهشی قابل توجه به ۲۱۳ میلیون دلار در در دوره مشابه سال ۱۳۹۸ رسیده است.

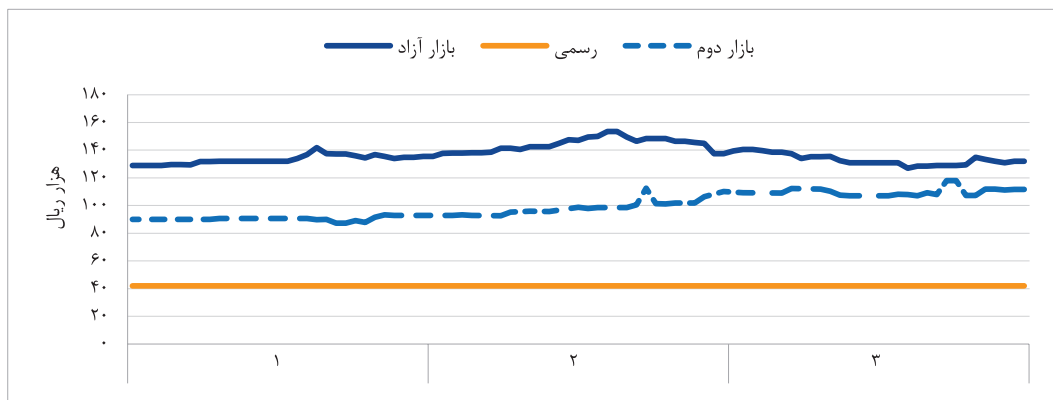
آمارها نشان می‌دهد که صادرات محصولات پتروشیمی در فروردین ۱۳۹۸ اگرچه از نظر وزنی افزایش ۱۸/۴ درصدی داشته و به ۲/۳ میلیون تن رسیده است، از نظر ارزشی با کاهش ۱۵/۲ درصدی به ۸۸۱ میلیون دلار افول کرده است. صادرات میعانات گازی در همین ماه هم از نظر وزنی و هم از نظر ارزشی به ترتیب کاهش ۲۱/۷ درصدی و ۲۲/۲ درصدی داشته و به ۶۷۴ هزار تن و ۳۴۸ میلیون دلار رسیده است. اقلام عمده صادراتی در این دوره به ترتیب شامل میعانات گازی به ارزش ۳۴۸ میلیون دلار، سایر روغن‌های سبک و فرآورده‌ها بجز بنزین به ارزش ۱۴۷ میلیون دلار، پروپان مایع شده به ارزش ۱۴۴ میلیون دلار و متانول به ارزش ۱۰۰ میلیون دلار بوده است. چین با واردات ۷۱۱ میلیون دلار کالا از ایران در این ماه همچون مدت مشابه سال گذشته در صدر کشورهای واردکننده کالا از ایران قرار گرفت. این در حالی است که به دلیل کاهش قابل

۴. بازار ارز

آزاد را به تدریج همگرا کند. کمترین شکاف نرخ دلار در بازار آزاد و بازار دوم در این دوره مربوط به ۲۳ خرداد بوده است. در این تاریخ نرخ برابری دلار آمریکا در برابر ریال در بازار آزاد تنها ۹/۳ درصد بیشتر از بازار دوم بوده است. این در حالی است که در ۲۰ فروردین حداکثر این شکاف معادل ۵۸/۰ درصد به ثبت رسیده بود. به طور متوسط در بهار سال جاری نرخ دلار در برابر ریال در بازار آزاد ۱۵/۱ درصد بیشتر از زمستان سال قبل و ۱۲۵/۹ درصد بیشتر از بهار این سال بوده است. نمودار ۴ قیمت دلار آمریکا را در بازار رسمی، بازار دوم و بازار آزاد در بهار سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد.

ریال ایران در بهار سال ۱۳۹۸ روند نسبتاً با ثباتی را در مقابل سایر واحدهای پولی بین‌المللی تجربه کرد. قیمت دلار آمریکا در بازار آزاد در ابتدای سال ۱۳۹۸ معادل ۱۲۸/۹ هزار ریال بود و در انتهای خرداد نیز از سطح ۱۳۲/۰ هزار ریال فراتر نرفت. به موازات ثبات نسبی نرخ دلار آمریکا در بازار آزاد و ثبات مطلق نرخ رسمی این ارز در برابر ریال، نرخ دلار در بازار دوم (نیما) به تدریج افزایش یافت و از ۹۰/۱ هزار ریال در ابتدای سال به ۱۱۱/۸ هزار ریال در انتهای خرداد رسید. نرخ ارز در سامانه نیما کمتر از نرخ بازار آزاد و بیشتر از نرخ رسمی ارز است و به نظر می‌رسد که بانک مرکزی قصد دارد نرخ ارز در بازار دوم و بازار

نمودار ۴- نرخ برابری دلار آمریکا بر حسب ریال در سال ۱۳۹۸



منبع: بانک مرکزی ایران، شبکه اطلاع رسانی طلا، سکه و ارز و پایگاه اینترنتی sanarate.ir

بانک مرکزی ایران یکی از مهمترین سیاست‌های ارزی خود در سال ۱۳۹۸ را راه‌اندازی بازار متشکل ارزی اعلام کرد. تا زمان تهیه این گزارش جزئیات دقیقی از نحوه عملکرد این بازار منتشر نشده، اما قرار است بانک‌ها و صرافی‌های مجاز به عنوان کارگزار این بازار به ایفای نقش بپردازند. در عین حال مشخص نیست که این بازار با چه هدفی راه‌اندازی می‌شود. از آنجایی که این بازار تأثیر بسزایی در عرضه و تقاضای ارز ندارد، نمی‌توان انتظار تأثیرگذاری بر نرخ ارز را از این بازار داشت. در حال حاضر مداخله بانک مرکزی در بازار ارز از طریق بازار غیرمتشکل انجام می‌پذیرد و نرخ کشف شده در بازار غیرمتشکل نیز تقریباً یکسان و فراگیر است. بنابراین شفافیت در قیمت کشف‌شده انواع ارزها نیز نمی‌تواند پیامد مثبت بازار متشکل ارزی تلقی شود. شاید تنها پیامد مثبت این بازار حذف تخصیص همراه با رانت ارز از محل منابع بانک مرکزی از طریق فرآیند حراج ارز در بازار متشکل باشد. در این شرایط به جای این که یک صرافی دولتی متولی توزیع ارز از محل منابع بانک مرکزی باشد، مقدار ارز مورد نظر بانک مرکزی برای تزریق در بازار در فرآیند حراج می‌تواند به همه کارگزاران این بازار تعلق گیرد. در این شرایط، بازار متشکل

ارزی می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را نیز در خصوص میزان عرضه ارز توسط بانک مرکزی در اختیار فعالان بازار و نهادهای تحقیقاتی قرار دهد، اگرچه تحقق این مهم به اراده بانک مرکزی برای انتشار این اطلاعات بستگی خواهد داشت. همچنین بانک مرکزی بسته سیاستی جدیدی را در مورد نحوه برگشت ارز حاصل از صادرات در سال ۱۳۹۸ اعلام کرده است که بر مبنای آن پتروشیمی‌ها موظف به عرضه حداقل ۶۰ درصد از ارز حاصل از صادرات خود و سایر صادرکنندگان موظف به عرضه حداقل ۵۰ درصد از ارز حاصل از صادرات خود در سامانه نیما شده‌اند. این در حالی است که اخیراً آمریکا تحریم‌های جدیدی را علیه صنعت پتروشیمی کشور اعمال کرده است. عمده ارز مورد نیاز واردات کشور از محل سامانه نیما و با تکیه بر ارز حاصل از صادرات محصولات پتروشیمی تأمین می‌شود و ارز با نرخ رسمی عمدتاً به واردات برخی کالاهای اساسی و دارو تعلق می‌گیرد که مستقیماً از محل منابع بانک مرکزی پوشش داده می‌شود. بنابر آمارهای اعلام‌شده، در سه ماهه نخست سال ۱۳۹۸ نزدیک به ۵ میلیارد دلار ارز با نرخ رسمی و بیش از ۶ میلیارد دلار ارز با نرخ سامانه نیما برای واردات کالاها و خدمات تخصیص یافته است.

آخرین ترازنامه سیستم بانکی منتشرشده از سوی بانک مرکزی (تا زمان تهیه این گزارش) مربوط به آذرماه ۱۳۹۷ است که بر اساس آن پایه پولی با ۲۲/۷ درصد رشد نسبت به آذر سال قبل از آن به ۲,۴۴۸/۳ هزار میلیارد ریال رسیده است. نقدینگی نیز طی این مدت ۲۲/۱ درصد رشد داشته و به ۱۷,۶۴۵/۸ هزار میلیارد ریال بالغ شده است. بنابراین هر واحد پول پر قدرت در انتهای پاییز ۱۳۹۷ با ضریب فزاینده‌ای معادل ۷/۲ واحد به نقدینگی تبدیل شده است. با توجه به اینکه در گزارش فصلی شماره ۱۴، جزئیات آمار نقدینگی و پایه پولی به طور مفصل شرح داده شده، در این شماره از تکرار آن پرهیز و به ارائه آمار کلی آن بسنده می‌شود.

۵. متغیرهای پولی و اعتباری

مجموع دارایی‌های (بدهی‌های) بانک‌ها و مؤسسات اعتباری بدون محاسبه اقلام زیر خط در پایان آذر ۱۳۹۷ به ۲۹,۰۳۰/۶ هزار میلیارد ریال رسیده که نسبت به ابتدای این سال ۱۶/۲ درصد و نسبت به زمان مشابه در سال ۱۳۹۶ معادل ۲۲/۶

درصد افزایش نشان می‌دهد. بخش عمده این دارایی‌ها (بدهی‌ها) مربوط به بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری غیربانکی با سهم ۶۴/۷ درصدی بوده و مابقی آن تقریباً به طور مساوی شامل دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌های تخصصی و تجاری دولتی می‌شود. بیشترین سهم از دارایی‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی به بدهی بخش غیردولتی به آنها (۴۱/۶ درصد) اختصاص داشته که عمدتاً مانده تسهیلات پرداخت‌شده به این بخش را نشان می‌دهد و در یک سال منتهی به آذر ۱۳۹۷ معادل ۱۸/۹ درصد رشد داشته است. پس از آن دارایی‌های خارجی با سهم ۱۴/۴ درصد قرار دارد که با ۴۳/۷ درصد بیشترین رشد را در این مدت به ثبت رسانده است. اسکناس و مسکوک نیز که کمترین سهم را از کل دارایی‌ها شامل می‌شوند (سهم ۰/۳ درصدی) در این مدت با کاهش ۱۱/۳ درصدی همراه بوده است. در سمت بدهی‌ها بزرگترین جزء (با سهم ۵۹/۲ درصد) مربوط به سپرده‌های بخش غیردولتی می‌شود که از پایان

مجموع دارایی‌های (بدهی‌های) بانک‌ها و مؤسسات اعتباری بدون محاسبه اقلام زیر خط در پایان آذر ۱۳۹۷ به ۲۹,۰۳۰/۶ هزار میلیارد ریال رسیده که نسبت به ابتدای این سال ۱۶/۲ درصد و نسبت به زمان مشابه در سال ۱۳۹۶ معادل ۲۲/۶

مؤسسات اعتباری غیربانکی را به تفکیک دولتی (تجاری و تخصصی) و غیر دولتی و غیربانکی در پایان فصل سوم سال ۱۳۹۷ را نشان می‌دهد.

آذر ۱۳۹۶ تا پایان آذر ۱۳۹۷ معادل ۲۱/۹ درصد افزایش داشته است. در این مدت دو جزء وام‌ها و سپرده‌های بخش دولتی و حساب سرمایه به ترتیب با ۲/۷ درصد و ۵۴/۶ درصد کاهش مواجه شده‌اند. جدول ۶ خلاصه دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌ها و

جدول ۶- خلاصه دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی (هزار میلیارد ریال)

شرح	مانده در پایان آذر ۱۳۹۷	سهم بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی به تفکیک (درصد)			درصد تغییر مانده کل نسبت به	
		تجاری دولتی	تخصصی دولتی	غیردولتی و غیربانکی	آذر ۱۳۹۶	اسفند ۱۳۹۶
دارایی‌ها (به غیر از اقلام زیر خط)	۲۹,۰۳۰/۶	۱۷/۴	۱۷/۹	۶۴/۷	۲۲/۶	۱۶/۲
دارایی‌های خارجی	۴,۱۷۷/۶	۱۳/۶	۲۸/۵	۵۷/۹	۴۳/۷	۲۸/۵
اسکناس و مسکوک	۹۹/۵	۳۷/۰	۱۰/۷	۵۲/۴	-۱۱/۳	۸/۴
سپرده نزد بانک مرکزی	۱,۸۹۳/۸	۲۱/۳	۷/۰	۷۱/۷	۲۳/۵	۱۸/۰
بدهی بخش دولتی	۲,۳۲۰/۲	۲۸/۰	۲۴/۶	۴۷/۴	۲۱/۰	۱۲/۷
بدهی بخش غیردولتی	۱۲,۰۸۱/۱	۱۶/۵	۲۱/۶	۶۱/۹	۱۸/۹	۱۰/۶
سایر دارایی‌ها	۸,۴۵۸/۴	۱۶/۵	۸/۰	۷۵/۴	۲۰/۲	۱۹/۹
بدهی‌ها (به غیر از اقلام زیر خط)	۲۹,۰۳۰/۶	۱۷/۴	۱۷/۹	۶۴/۷	۲۲/۶	۱۶/۲
سپرده‌های بخش غیردولتی	۱۷,۱۹۰/۸	۲۰/۱	۱۰/۴	۶۹/۵	۲۱/۹	۱۵/۷
بدهی به بانک مرکزی	۱,۴۹۷/۹	۲/۴	۳۲/۷	۶۵/۰	۳۲/۵	۱۳/۵
وام‌ها و سپرده‌های بخش دولتی	۲۵۹/۷	۳۸/۴	۴۴/۱	۱۷/۴	-۲/۷	-۴/۶
حساب سرمایه	۳۵۳/۳	-۵/۹	۶۶/۶	۳۹/۲	-۵۴/۶	-۳۴/۹
وام‌ها و سپرده‌های ارزی	۳,۴۳۸/۱	۱۲/۷	۲۸/۵	۵۸/۸	۵۱/۱	۳۴/۵
سایر بدهی‌ها	۶,۲۹۰/۸	۱۶/۶	۲۵/۳	۵۸/۱	۲۲/۹	۱۵/۸

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزیده آمارهای اقتصادی

مشابه سال ۱۳۹۶ است. این نسبت در ابتدای دهه ۱۳۹۰ معادل ۱۱۰ درصد و در سال ۱۳۹۳ معادل ۹۲/۹ درصد بوده و در سال‌های اخیر به طور تقریباً مستمر با کاهش همراه شده است. در سال ۱۳۹۴ برخلاف رشد قابل توجه سپرده‌ها نسبت به سال قبل از آن، نرخ رشد تسهیلات تغییر چندانی نداشت و در نتیجه نسبت تسهیلات به سپرده‌ها پس از کسر سپرده قانونی به ۸۲/۷ درصد کاهش یافت. در سال ۱۳۹۵ این روند اندکی برعکس شد و نرخ رشد تسهیلات از نرخ رشد سپرده‌ها پیشی گرفت که در نتیجه این نسبت با ۴/۰ واحد درصد افزایش به ۸۶/۷ درصد رسید. با این حال روند کاهشی نسبت مذکور در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ ادامه یافت. جدول ۷ جزئیات این آمار را نشان می‌دهد.

منابع بانکی شامل کل سپرده‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی می‌شود که در انتهای سال ۱۳۹۷ با ۲۵/۶ درصد رشد نسبت به ابتدای این سال به ۲۰,۶۷۳/۴ هزار میلیارد ریال بالغ شده است. از این میان حدود ۲,۱۰۵ هزار میلیارد ریال (معادل ۱۰/۲ درصد) به عنوان ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی مانده و بانک‌ها روی مابقی آن قدرت وام‌دهی و خلق پول داشته‌اند. میانگین نسبت ذخیره قانونی در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ حدود ۱۰/۵ درصد بوده است. در سمت مصارف بانک‌ها نیز مانده کل تسهیلات در انتهای این سال به ۱۵,۰۹۰/۲ هزار میلیارد ریال رسیده که در مقایسه با انتهای سال قبل از آن ۱۹/۹ درصد رشد داشته است. در نتیجه این تحولات، نسبت مانده تسهیلات به سپرده‌ها پس از کسر سپرده قانونی به ۸۱/۳ درصد رسید که ۴/۱ واحد درصد کمتر از رقم ماه

جدول ۷- مانده تسهیلات و سپرده‌های ریالی و ارزی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در پایان دوره

شرح	۱۳۹۷		۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳
	مقدار	رشد (درصد)				
تسهیلات (هزار میلیارد ریال)	۱۵,۰۹۰/۲	۱۹/۹	۱۲,۵۸۷/۱	۹,۸۶۶/۶	۷,۹۱۶/۱	۶,۷۳۹/۷
سپرده‌ها (هزار میلیارد ریال)	۲۰,۶۷۳/۴	۲۵/۶	۱۶,۴۶۴/۱	۱۲,۷۲۸/۴	۱۰,۶۱۹/۰	۸,۱۹۲/۸
سپرده‌ها پس از کسر سپرده قانونی (هزار میلیارد ریال)	۱۸,۵۶۸/۳	۲۶/۰	۱۴,۷۴۱/۹	۱۱,۳۷۴/۱	۹,۵۷۳/۹	۷,۲۵۷/۰
نسبت ذخیره قانونی (درصد)	۱۰/۲	-	۱۰/۵	۱۰/۶	۹/۸	۱۱/۴
نسبت تسهیلات به سپرده‌ها پس از کسر سپرده قانونی (درصد)	۸۱/۳	-	۸۵/۴	۸۶/۷	۸۲/۷	۹۲/۹

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آمارهای بانکی

خدمات از تسهیلات بانکی در سال ۱۳۹۷ به ترتیب ۷/۶، ۲۷/۰ و ۳۷/۴ درصد بود که در هر سه مورد کمتر از سال قبل از آن است. در مقابل و به دنبال بروز رونق در بخش مسکن، سهم بخش مسکن و ساختمان از تسهیلات پرداختی بانک‌ها از ۸/۴ درصد در سال ۱۳۹۶ به ۱۳/۴ درصد در سال ۱۳۹۷ افزایش یافت. سهم بخش بازرگانی از تسهیلات بانکی سال ۱۳۹۷ نیز با کمی افزایش نسبت به سال قبل از آن به ۱۴/۶ درصد رسید که اختصاص ارز ترجیحی به

حجم تسهیلات پرداختی بانک‌ها در طول سال ۱۳۹۷ بالغ بر ۷,۷۳۷/۳ هزار میلیارد ریال بوده که با ۱,۵۹۸/۲ هزار میلیارد ریال افزایش نسبت به سال ۱۳۹۶، حاکی از رشد ۲۶/۰ درصدی است. این نرخ رشد با توجه به تورم محقق‌شده در این سال، از کاهش واقعی تسهیلات پرداختی بانک‌ها حکایت دارد که یکی از مهمترین دلایل آن نرخ سود واقعی منفی تسهیلات بانکی طبق دستور بانک مرکزی بوده است. سهم بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن و

واردات برخی از کالاها در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است. در سال ۱۳۹۷ معادل ۵۵/۸ درصد از کل تسهیلات بانکی به سرمایه در گردش اختصاص یافت که ۵/۹

۶. بودجه دولت

آخرین آمار رسمی منتشرشده از عملکرد مالی دولت در زمان تهیه این گزارش مربوط به نه ماهه نخست سال ۱۳۹۷ بوده که در نسخه پیشین همین گزارش به تفصیل به آن پرداخته شده و از تکرار آن در گزارش حاضر پرهیز شده است. با این حال در خرداد سال جاری، سازمان برنامه و بودجه کشور از نسخه مقدماتی چارچوب اصلاح ساختاری بودجه با رویکرد قطع وابستگی مستقیم بودجه به نفت رونمایی کرد. این برنامه چهار محور اصلی دارد: ۱) تقویت نهادی بودجه، ۲) هزینه‌کرد کارا، ۳) درآمدزایی پایدار و ۴) ثبات‌سازی اقتصاد کلان و توسعه پایدار. این محورها قرار است در چارچوب رفتاری مبتنی بر رعایت قاعده مالی و افزایش شفافیت و پاسخگویی جامعه عمل پوشانده شوند. تأکید بر پاسخگویی و شفافیت در حالی مطرح می‌شود که رویه انتشار آمار کلی عملکرد مالی دولت نیز چند ماه است که متوقف شده است.

این برنامه در راستای افزایش پیش‌بینی‌پذیری منابع بودجه، خواستار تعهد بانک مرکزی به عملیات بازار باز و مدیریت نرخ سود شده است. این مهم در نقطه مقابل استقلال بانک مرکزی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر بانک مرکزی باید مستقل از رفتار مالی دولت هدف خود را دنبال کند و دستیابی به هدف تحت سلطه مالی دولت نباشد. افزایش هزینه سود اوراق بدهی دولتی یکی از ابزارهای کنترل بدهی دولت است و تکلیف بانک مرکزی به انتقال بدهی دولت به ترانزنامه خود می‌تواند سیاست‌گذار پولی را از دستیابی به هدف کنترل تورم دور کند. البته در همین برنامه کلیاتی در راستای کاهش سلطه بودجه بر نظام پولی و لزوم استقلال بانک مرکزی مورد اشاره قرار گرفته است.

یکی از نکات مثبت این برنامه تلاش برای افزایش افق زمانی بودجه‌ریزی در کشور است. در حال حاضر بودجه دولت به صورت سالانه تنظیم می‌شود و نمی‌توان برنامه‌های میان مدت دولت و انطباق بودجه با برنامه‌های توسعه پنج ساله را در این چارچوب دنبال کرد. در عین حال بسیاری از تصمیمات دولت تبعات بلندمدت داشته و لازم است که دولت‌ها فارغ از مدت باقی مانده تا پایان کار کابینه مربوطه، تبعات تصمیمات خود را پذیرفته و نسبت به کنترل تبعات منفی آنها اقدام کنند.

یکی دیگر از نکات مثبت این برنامه تلاش برای جلوگیری از افزایش مصارف و بیش‌برآورد منابع در فرآیند تصویب قانون بودجه در مجلس شورای اسلامی است. ارائه گزارش تفصیلی از تمام دریافت‌ها و پرداخت‌های بخش عمومی متناسب با قیمت تمام‌شده، به همراه اطلاعات مالی و عملیاتی عملکرد دو سال قبل به عنوان اسناد پشتیبان بودجه در قالب لایحه بودجه، کمک شایانی به این هدف خواهد کرد.

در این برنامه بر پرهیز دولت از قیمت‌گذاری دستوری و مداخله قیمتی دولت تأکید شده است که گام بسیار مثبتی ارزیابی می‌شود. این مهم چه در مورد کالاهایی که دولت عرضه‌کننده انحصاری آنها است (مانند آب و انرژی) و چه در مورد کالاهایی که با هدف حمایت از مصرف‌کنندگان مبتنی بر بهای تمام‌شده قیمت‌گذاری می‌شوند مدنظر قرار داده شده است. واگذاری مالکیت و مدیریت دولت بر بنگاه‌های مرتبط با سهام عدالت یکی دیگر از نکات مثبت این برنامه در راستای اصلاح ساختار شرکت‌های دولتی است.

وضع مالیات بر عایدی سرمایه با تمرکز بر بخش مسکن یکی دیگر از نکات مثبت این برنامه محسوب می‌شود که اجرای آن علاوه بر افزایش درآمد دولت و کاهش کسری بودجه، به کنترل نوسان قیمت در بازارهای مربوطه کمک خواهد کرد.

در این برنامه برای تأمین حداقل‌های معیشتی برای اقشار آسیب‌پذیر بر حذف یارانه نقدی خانوارهای برخوردار با اتکا به منابع اطلاعاتی ناشی از اجرای مالیات بر درآمد خانوار تأکید شده است. به عبارت دیگر در این فرآیند دولت خانوارها را مکلف به ارائه اظهارنامه مالیاتی کرده و خود را محق می‌داند که همه اطلاعات دریافتی را بررسی کرده و نسبت به حذف افراد پردرآمد از دریافت یارانه نقدی اقدام کند. اگرچه حرکت به سمت مالیات بر درآمد اشخاص به شرط کاهش مالیات‌های شرکتی امری مورد تأیید است، اما بررسی جزئیات همه اظهارنامه‌ها

واحد درصد کمتر از سال قبل از آن بود.

به منظور شناسایی افراد پردرآمد علاوه بر این که فرآیندی بسیار پرهزینه است، احساس نقض حریم خصوصی را در شهروندان تقویت کرده و به کاهش سرمایه اجتماعی منجر خواهد شد. این رویکرد حتی می‌تواند انگیزه افراد را برای اظهار اشتباه مشخصات درآمدی خود افزایش دهد. روش منطقی‌تر این است که اقشار نیازمند به دریافت یارانه، داوطلبانه اجازه بررسی جزئیات درآمدی خود را به دولت داده و پس از اثبات نیاز خود، مشمول دریافت یارانه نقدی شوند. هزینه بررسی افراد نیازمند بسیار کمتر از بررسی همه افراد جامعه خواهد بود و در عین حال حریم خصوصی شهروندان در این شرایط حفظ خواهد شد.

در این برنامه همچنین پیشنهاد شده است که صندوق توسعه ملی علاوه بر نقش توسعه‌ای، نقش ثبات‌سازی برای بودجه دولت را ایفا کند. تا قبل از تأسیس صندوق توسعه ملی، حساب ذخیره ارزی به درستی نقش ضربه‌گیر شوک را برای بودجه دولت ایفا می‌کرد، در حالی که با تأسیس صندوق توسعه ملی، منابع این حساب مضمحل شد و صرفاً نقش توسعه‌ای صندوق توسعه ملی مد نظر قرار گرفت. برنامه اصلاح ساختار بودجه به درستی احیای نقش حساب ذخیره ارزی و بازگشت به آن شیوه را مورد تأکید قرار داده است.

در مورد اصلاح نظام یارانه‌ها، این برنامه تخصیص سهمیه به خانوارهای ایرانی برای استفاده از یارانه حامل‌های انرژی و آزادسازی قیمت این حامل‌ها را مد نظر قرار داده است. این شیوه اگرچه از وضعیت فعلی که هم ناعادلانه است و هم مصرف حامل‌های انرژی را افزایش داده، بسیار بهتر است، اما همچنان پرداخت یارانه انرژی به خانواده‌های ایرانی را محفوظ داشته و کاهش تدریجی این سهمیه در آینده و آزادسازی منابع ناشی از آن را دشوار می‌سازد. در زمینه یارانه کالاهای اساسی نیز حذف تخصیص ارز ترجیحی به واردکنندگان و اختصاص منابع حاصل‌شده به اعطای کالابرج اعتباری و وام سرمایه در گردش به مصرف‌کننده و تولیدکننده پیشنهاد شده است. اختصاص این یارانه به همه مصرف‌کنندگان نهایی منجر به حذف رانت موجود شده و تصمیم قابل دفاعی است، اما اختصاص آن به برخی تولیدکنندگان از طریق اعطای تسهیلات سرمایه در گردش این رانت را از بین نبرده و تنها موجب انتقال آن از واردکننده به تولیدکننده خواهد شد.

اما یکی از مورد انتقادترین بندهای این برنامه، پیشنهاد دوسقفی بستن بودجه است. این برنامه ادعا می‌کند که دو سقفی بستن بودجه به ایجاد ثبات در بودجه کمک می‌کند، در حالی که این روش عملاً به بی‌ثباتی بودجه‌ریزی در کشور می‌انجامد. همچنین سیاست مالی دولت در شرایط بودجه‌ریزی دو سقفی دچار ابهام شده و تبعات اقتصادی سقف‌های مختلف بودجه متفاوت خواهد بود.

یکی دیگر از نکات منفی قابل توجه این برنامه استفاده از ابزار بازپرداخت بدهی دولت به بانک‌ها به عنوان مشوق بانک‌ها به اعطای تسهیلات به بخش‌ها و روش‌های پیشنهادی دولت است. به عبارت دیگر بدهی دولت به بانک‌ها که در حال حاضر منشأ برخی از مشکلات نظام بانکی بوده و عدم اوراق‌سازی آنها منجر به اضافه برداشت بدون وثیقه بانک‌ها از بانک مرکزی شده است، قرار نیست در اسرع وقت از طریق اوراق بدهی دولتی پرداخت‌شده و حتی قرار است به عنوان ابزاری برای تشدید تسهیلات تکلیفی و تحمیل مشکلات بیشتر به بانک‌ها مورد استفاده قرار گیرد. دولت امید دارد که با استفاده از این روش‌ها، منابع محدود بودجه‌ای را با کمک بانک‌ها و بخش خصوصی اهرم کرده و در پروژه‌های مد نظر خود به کار گیرد. نتیجه این فرآیند تخصیص ناکارای منابع موجود در اقتصاد و تشدید بحران بانکی و نهایتاً تشدید بحران نقدینگی و تورم خواهد بود.

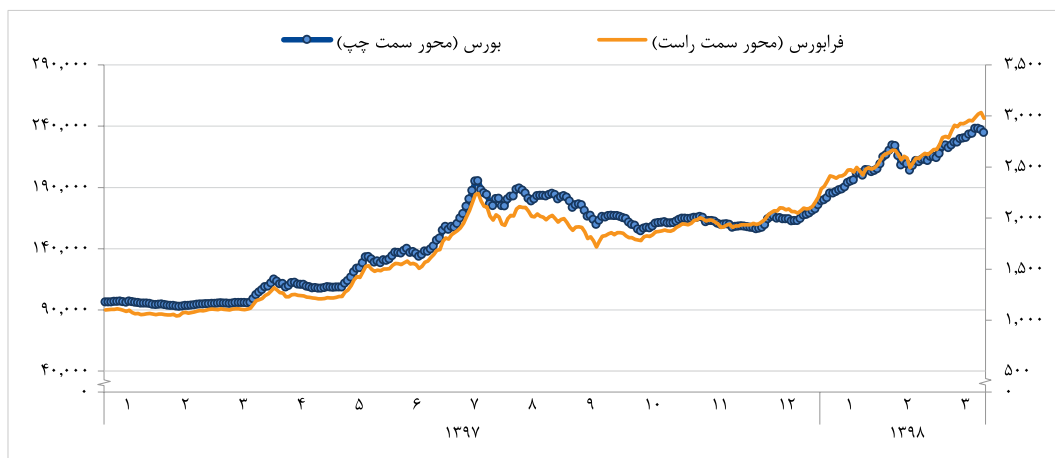
در مجموع باید توجه این برنامه به قاعده مالی و کنترل کسری بودجه را به فال نیک گرفت، اگرچه اسناد بالادستی فعلی از قبیل برنامه ششم توسعه که در زمینه قاعده مالی احکامی را - به عنوان نمونه در خصوص نسبت مانده بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی - در نظر گرفته‌اند نیز چندان مورد توجه دولت نبوده‌اند. این در حالی است که در شرایط دشوار کنونی، اجرای اصلاحات ساختاری در زمینه‌های مختلف اقتصادی به ویژه اصلاح ساختار بودجه دولت از اولویت‌های اساسی کشور محسوب می‌شود.

۷. بازار سرمایه

ترتیب رشدهای کم‌سابقه ۲,۷۲۰ درصدی و ۲۵۸ درصدی داشته‌اند. در طرف مقابل، بازار اوراق بدهی بورس تهران با ۴۷ درصد کاهش ارزش معاملات، تنها ۱۳ هزار میلیارد ریال معامله را در خود ثبت کرده است. ارزش بازار بورس تهران در انتهای خردادماه به ۸,۹۳۳ هزار میلیارد ریال رسیده که ۲۲/۹ درصد آن مربوط به صنعت محصولات شیمیایی و ۱۵/۳ درصد مربوط به صنعت فلزات اساسی است. بعد از این دو صنعت، صنعت استخراج کانه‌های فلزی و صنعت فرآورده‌های نفتی و سوخت هسته‌ای به ترتیب بزرگترین صنایع موجود در بورس تهران‌اند. بانک‌ها و مؤسسات اعتباری با سهم ۷/۷ درصدی در رده پنجم از لحاظ ارزش بازار قرار دارند. بخش دیگر بازار سرمایه یعنی فرابورس ایران نیز از لحاظ تحولات شاخص کل روند تقریباً مشابهی را در فصل بهار تجربه کرده و با حدود ۳۰ درصد رشد، شاخص آن به ۲,۹۷۸ واحد رسیده است. ارزش بازار فرابورس در انتهای بهار به حدود ۳,۳۴۵ هزار میلیارد ریال رسید که نسبت به ابتدای سال ۲۲/۶ درصد رشد داشته است. نمودار ۵ تحولات شاخص‌های کل بورس و فرابورس را در طول سال ۱۳۹۷ و فصل اول سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد.

شاخص بورس اوراق بهادار تهران در انتهای خرداد ۱۳۹۸ به ۲۳۴,۸۷۹ واحد رسید که از رشد ۳۱/۵ درصدی آن در طول فصل بهار حکایت دارد. این بازده قابل توجه در سه ماه، بیشترین بازده ثبت شده در مقایسه با بازارهای ارز، طلا، خودرو و مسکن بود و به طور متوسط بیشترین عایدی را برای سرمایه‌گذاران آن به همراه داشت. در این مدت شاخص مالی و شاخص صنعت به ترتیب نرخ رشدهای ۴۳/۸ درصدی و ۳۰/۱ درصدی را به ثبت رساندند که به طور متوسط از پربازده‌تر بودن سهم‌های گروه مالی و بانکی به نسبت سهم‌های شرکت‌ها و کارخانه‌های صنعتی حکایت دارد. نرخ رشد شاخص ۳۰ شرکت بزرگتر معادل ۱۹/۴ درصد و نرخ رشد شاخص کل هم‌وزن نیز ۷۰/۶ درصد بوده است. این امر نشان می‌دهد که در بهار ۱۳۹۸ شرکت‌های کوچک و متوسط بیش از شرکت‌های بزرگ حاضر در بورس رشد قیمت و بازده داشته‌اند. در مجموع طی سه ماه نخست سال ۱۳۹۸، ارزش معاملات اوراق مالکیتی در بورس تهران به بیش از ۶۷۵ هزار میلیارد ریال رسیده که حاکی از رشد شگفت‌انگیز ۴۵۳ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل است. بازار اوراق مشتقه و صندوق‌های قابل معامله نیز که البته به نسبت سهم کوچکتری از کل معاملات دارند، به

نمودار ۵- شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران



مأخذ: سایت اینترنتی بورس اوراق بهادار تهران، قابل دسترسی در <http://new.tse.ir> و فرابورس ایران، قابل دسترسی در <http://ifb.ir>

۸. سایر تحولات

زیر چتر حمایت نظام سهمیه‌ای خواهند بود. بازار سیاه یا بازار آزاد برای مبادله کوپن‌های الکترونیک نتیجه اجتناب ناپذیر نظام کوپنی خواهد بود، کما این که در شرایط فعلی نیز بسیاری از کالاهای عرضه‌شده با مداخله دولت تحت عنوان «تنظیم بازار»، سر از بازار سیاه درمی‌آورند. برخی توجیه می‌کنند که اختصاص یارانه قیمتی یا کوپن به کالاهای با کیفیت پایین‌تر که عمدتاً مورد مصرف اقشار آسیب‌پذیر است، احتمال اصابت یارانه به اقشار هدف را نسبت به شرایط فعلی افزایش می‌دهد. این در حالی است که اختصاص یارانه به کالاهای قابل تجارت صرفاً تا زمانی کارکرد خواهد داشت که میزان یارانه از هزینه مبادلاتی قاچاق یا صادرات این کالاها به خارج از مرزهای کشور فراتر نرود. به عبارت دیگر اگر یارانه تخصیص داده‌شده به این کالاها، قیمت آنها را به طور قابل توجهی کمتر از کشورهای همجوار (با احتساب نرخ ارز در بازار آزاد) قرار دهد، فرآیند آربیتراژ به سرعت این یارانه را به قاچاقچیان و اتباع کشورهای همجوار انتقال خواهد داد و از اصابت آن به اقشار هدف در داخل جلوگیری خواهد کرد. ایجاد بازار ثانویه برای مبادله کوپن‌ها نیز اگرچه هزینه نقد کردن کوپن را برای اقشار ضعیف کاهش می‌دهد، اما همچنان هزینه بیشتری را نسبت به یارانه نقدی به آنها تحمیل خواهد کرد.

یکی از مباحثی که اخیراً در میان متولیان امور اقتصادی کشور زیاد به گوش می‌رسد، احتمال احیای طرح سهمیه‌بندی کالاها یا همان کوپنی کردن اقلام اساسی با هدف تأمین حداقل معیشت اقشار آسیب‌پذیر جامعه است. در حال حاضر این هدف با پرداخت یارانه به صورت ارزی یا اشکال دیگر به عرضه‌کنندگان و تلاش برای نگه داشتن قیمت این کالاها در محدوده مد نظر سیاست‌گذاران دنبال می‌شود، هر چند در عمل این هدف محقق نشده و این سیاست صرفاً منشأ توزیع رانت گسترده در میان گروه‌های خاص بوده است. به همین دلیل بسیاری از سیاست‌گذاران برای رفع این مشکل راهکار سهمیه‌بندی کالاهای اساسی را با توزیع عمومی یا هدفتند کوپن الکترونیک مطرح کرده‌اند که اگرچه نسبت به شرایط فعلی می‌تواند گام مثبتی تلقی شود، اما معایب آن به اندازه‌های زیاد است که ممکن است حتی هزینه کردن برای فراهم‌سازی زیرساخت‌های آن توجیه نداشته باشد.

در سهمیه‌بندی مانند شرایط فعلی رانت و فساد وجود خواهد داشت. در شرایط سهمیه‌بندی نیز مانند شرایط فعلی، عرضه‌کنندگان به جای جلب رضایت مصرف‌کننده، به دنبال جلب رضایت مقامات دولتی برای قرار گرفتن بالای خود

مذکور دامن خواهد زد. برای نمونه، در حال حاضر به دلیل قیمت پایین برق - در پاره‌ای موارد حتی برق رایگان - اختصاص یافته به برخی از مراکز و بخش‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری قابل توجهی برای استخراج ارز دیجیتال در این مراکز صورت گرفته و به این ترتیب بر مصرف بی‌رویه برق روز به روز افزوده می‌شود. این فرآیند مشابه قاچاق بنزین و گازوییل است که به تشدید مصرف این فرآورده‌های نفتی در شرایط فعلی انجامیده است. حذف این یارانه‌ها علاوه بر بهینه کردن مصرف در این بازارها، منابع قابل توجهی را برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در اختیار دولت قرار خواهد داد. مسلماً اجرای چنین طرحی به سرمایه اجتماعی قابل توجهی نیاز دارد و این سرمایه اجتماعی از طریق افزایش شفافیت قابل حصول است. با این حال دولت مدتی است که به بهانه شرایط حساس کنونی، از ارتقای شفافیت روزبه‌روز فاصله بیشتری گرفته است.

اگر دولت قصد حمایت از اقشار آسیب‌پذیر را دارد، به نظر می‌رسد که اختصاص دادن یارانه نقدی به آنها هم از نظر عملی ساده‌تر و هم از نظر علمی کارآمدتر است. حتی اگر دولت توان شناسایی اقشار مورد نظر را ندارد، اختصاص یارانه نقدی همگانی - به عبارت دیگر افزایش یارانه نقدی کنونی - می‌تواند تا حدودی دولت را به هدفش نزدیک کند. مسلماً ارائه چنین طرح‌هایی نباید منجر به تشدید کسری بودجه، پولی شدن آن و نهایتاً افزایش تورم شود. به این ترتیب میزان یارانه پرداختی باید متناسب با حذف تخصیص ارز ترجیحی یا سایر سیاست‌های حمایتی فعلی باشد. حذف یارانه‌های پنهان، منابع سرشاری را برای اجرای چنین طرحی در اختیار دولت قرار خواهد داد و از بروز عدم تعادل‌های جدی در بازار کالاها و خدمات مشمول یارانه پنهان نیز جلوگیری خواهد کرد. این در حالی است که ادامه شرایط فعلی به تشدید عدم تعادل در بازارهای

گزارش فصلی تحولات اقتصاد ایران | شماره ۱۵ | تیر ۱۳۹۸

تهیه شده در مدیریت تحقیقات اقتصادی بانک خاورمیانه
کارشناسان: فرشید اسلامبولچی، حسین سلطان آبادی و محمد کوثری

صفحه آرایی: حنا نه نیازمند

ساختمان ادارات مرکزی بانک خاورمیانه

تهران، خیابان احمد قصیر (بخارست)، نبش خیابان پنجم
تلفن: ۴۲۱۷ ۸۰۰۰ فکس: ۱۰۹۵ ۸۸۷۰
کدپستی: ۱۵۱۳۶۴۵۷۱۷ صندوق پستی: ۴۴۴۵-۱۵۸۷۵
www.middleeastbank.ir info@middleeastbank.ir